

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

یک بام و دو هوا

دو کودک به کنجی نشسته به هم
یکی نالد از قهر بی جـای مام
که شب وقت خواب ار کنم چند و چون
و یا آن که در وقت صرف غذا
و گـر پای تا سر غم نان بوـد
فقط آب خالی نصیب من است
دگـر آه سردی کشید از جگر
پدر گفته صد بـار با گوشمال
به نـزد بزرگان والامقام
نباید کثی پا ز حـدد ادب
که بر خـردسالان نياشد مُجاز
دو چشمت به لبها بـوـد دوخته
ولی از همه تلخ، این ماجـراست
ندانی چـه است این گناه و ثواب
گناه من این که به وقت سرور
دران شور و مستی، اگـر بی خبر
ز دستم اگـر آب ریزد به فرش
همه داد و فـریاد برپا کنند

نمایند درد دل از بیش و کم
به هنگام خواب و به وقت طعام
بگـیرد ز پهلوی من نیشگون
نباید کـنم دست از پا خطا
نباید خـورم تا که مهمان بوـد
اگـر میهمانی، قریب من است
که من نیز دارم چنین درد سر
چو هستی یکی بچـه خرد سال
نشاید ترا حـرف لام و کلام
گـرت هست صد گپ ، نیاری به لب
سخن گفتن با نشیب و فراز
که اطفال ازین شیوه، آموخته
که بر او صوابست و بر من خطاست
که سنگین تراز نیشگونست و خواب
کنم گاه گاهی اگـر داد و شور
بـلغـزد مرا پا و اقم به سر
فغان همه می رسد تا به عرش
سـرم آسیاسنگ بـالا کنند

به چندین عتاب و به چندین عقاب خورم سیلی محکم و بی حساب
ولی گـر پدر، کوزه آب را بریزد به قـالین مقبول ما
همه یک زبـان، از سر اعتذار مـکرر بگویند و هم بار بار
که جای غم و هیچ تشویش نیست به قالین اگر ریخت، هم روشنیست
بنازم به این بـام و چندین هوا
ز من نـاروا است و از وی روا

(فرانکفورت - جون 2000)